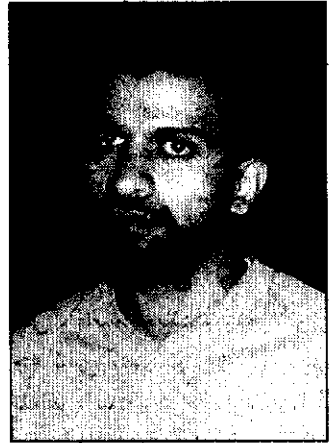


صلح خاورمیانه یا سراب صلح؟ (۲)



*محمد عطایی

نظریه "یک سرزمین برای دو ملت" در برابر نظریه "اشغال دولوکس"

اشاره: حساسیت‌های راهبردی امریکا نسبت به ایران - افزون بر مسئله حیاتی نفت - در سه موضوع اصلی خلاصه می‌شود:

الف - حفظ موجودیت و امنیت اسرائیل

ب - سلاح‌های اتمی، شیمیایی و بیولوژیک

ج - تثبیت امریکا در عراق، مقدمه‌ای بر خاورمیانه جدید

جورج دبلیو بوش نیز در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری اولویت‌های راهبردی امریکا را به ترتیب "حفظ امنیت عرضه نفت در خلیج فارس" و "موجودیت اسرائیل" اعلام کرد. با توجه به حضور فعال نظامی - امنیتی امریکا در شرق، غرب و جنوب ایران، تحقیق و پژوهش در موارد یادشده از ضروریات استراتژیک ایران می‌باشد. در همین راستا در شماره‌های ۱۰، ۱۳ و ۱۴ نشریه چشم‌انداز ایران تحقیقاتی در زمینه شناخت اسرائیل و صلح خاورمیانه ارائه شده است. از دیدگاه کارشناسان اسرائیلی دو مسئله مهم در رأس حساسیت راهبردی - ایدئولوژیک اسرائیل قرار دارد: (۱) خط‌مشی انتفاضه فلسطینی‌ها (۲) - که مهم‌تر نیز می‌باشد - حضور یک میلیون و دوست هزار نفری شهروندان اسرائیلی که خط‌مشی انتفاضه را پذیرفته‌اند و این تهدید بزرگی برای امنیت اسرائیل می‌باشد. بر این مبنای سلاح‌های اتمی و موشکی حساسیت اول اسرائیل نمی‌باشد، هرچند آنها هر از گاهی این مسئله را بهانه می‌کنند.

محمد عطایی درباره روند صلح در خاورمیانه و طرح‌های گوناگونی که تاکنون در این زمینه ارائه شده پژوهش‌هایی کرده است که قسمت اول این مقاله در شماره ۲۷ نشریه چشم‌انداز ایران انتشار یافت و قسمت دوم آن که شامل طرح نقشه راه، طرح شارون، نقد و بررسی نظریه تشکیل دو کشور فلسطینی و اسرائیلی و نظریه رقیب آن، یعنی یک سرزمین برای دو ملت می‌باشد، در این شماره از نظر خوانندگان می‌گذرد. از خوانندگان می‌خواهیم که با پیشنهادهای اصلاحی و نقدهای علمی خود، نشریه و نویسنده محقق آن را سرفراز نمایند.

صراحت نداشت. به همین دلیل برخی منتقدان طرح معتقد بودند که طرح از این جهات نیز نادقیق‌تر از طرح‌های پیشین چون طرح تنت بود. (۳۵)

نقشه راه گروه چهارجانبه (Quartet) در ۳۰ آوریل ۲۰۰۳، رسماً به تشکیلات خودگردان و دولت اسرائیل ابلاغ شد. نقشه راه که حاصل رایزنی‌های مشترک ایالات متحده، اتحادیه اروپا، سازمان ملل متحد و روسیه در نیمه دوم سال ۲۰۰۲ بود، از لحاظ طرف‌های بین‌المللی

حتی برای توقف درگیری‌ها ارائه نمی‌کرد. به عبارت دیگر، "طرح صلحی مشخص، دقیق و خودبسنده نبود. از لحاظ توالی (این که چه کسی چه چیزی را در چه زمانی انجام دهد)، تعاریف واژه‌های مورد استفاده، توقف شهرک‌سازی (Settlement Freeze)، ویژگی‌های حاکمیتی برای کشور آینده فلسطینی‌ها، مکانیزم‌های اجرا - چگونگی ارزیابی رعایت مفاد طرح - و ضمانت‌های اجرایی، روشن نبوده و

تمام نقص‌ها و اشکالات طرح‌های پیشین - از اسلو تا به امروز - بوده است. درحالی‌که نقاط پرابهام زیادی در طرح به چشم می‌خورد، از همان ابتدا دولت فلسطینی موظف شده بلافاصله تمام جریان مقاومت را سرکوب و نابود نماید.

نقشه راه از ارائه تعریفی دقیق و مشخص از توافق‌هایی مورد نظرش تهی بود و هیچ راه مشخص و راهبردی را نه تنها برای دستیابی به صلح که

...
نقشه راه در نوع خود یکی از تهی‌ترین طرح‌هایی بوده است که در زمینه دستیابی به صلح میان فلسطینی‌ها و اسرائیل ارائه شده است و کمتر کسی، حتی خود دولت امریکا آن را به‌عنوان راهی برای دستیابی به "توافقی نهایی" (کلید واژه‌ای که همواره در طرح نقشه راه به کار رفته) باور داشته است. از این دیدگاه باید گفت که این طرح کلکسیون از

درگیر در آن، یکی از جامع‌ترین تلاش‌ها برای از سرگیری فاز سیاسی مذاکرات پس از سپتامبر ۲۰۰۰ بوده است. زمینه‌های گوناگونی برای طرح آن می‌توان برشمرد. گزارش میشل، طرح تنت و از همه مهم‌تر سخنرانی ۲۴ ژوئن جورج بوش در سال ۲۰۰۳ که در آن او پیش‌شرط‌های مد نظرش - یعنی تغییر در رهبری فلسطینی و پایان خشونت‌ها و هدف آن که دستیابی به توافقی نهایی که براساس آن اسرائیل و یک کشور فلسطینی در کنار همدیگر و در صلح زندگی کنند - را برای از سرگیری یک مرحله دیپلماتیک جدید بیان کرد.^(۳۲)

در واقع باید گفت که نقشه راه، حاصل مذاکرات و گفت‌وگوهای فشرده میان ایالات متحده و سه عضو دیگر کمیته چهارجانبه (و حتی جناح‌های مختلف درون دولت آمریکا) بود و در نتیجه محتوای پیچیده آن بازتاب مصالحه‌ای بود که به سختی میان طرفین شکل گرفت. از یک سو در مورد لزوم تداوم تغییر و اصلاحات سیاسی در تشکیلات خودگردان و پایان خشونت‌ها، اعضای گروه چهارجانبه به خواسته‌های آمریکا تن داده و از دیگر سو در مورد ابعاد آن طرح، که ناظر به وظایف متقابل دولت اسرائیل و نظارت گروه چهارجانبه و ایفای نقش آن در این روند و تعریف شرایط نهایی بود، به نظر می‌رسید آمریکایی‌ها به نظرات شرکایشان در کمیته چهارجانبه تن داده‌اند.^(۳۳)

انتشار رسمی این طرح بارها به تأخیر افتاد تا سرانجام پس از برگزاری انتخابات اسرائیل، تشکیل کابینه و جنگ در عراق، واشنگتن پذیرفت که با تشکیل کابینه جدید فلسطینی به نخست‌وزیری ابومازن و تأیید آن توسط شورای ملی فلسطین، رسماً انتشار یابد.

هدف طراحان نقشه راه که قرار بود طی چند مرحله زمانی معین و تحت

نظارت ایالات متحده، روسیه، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد اجرا شود، ارائه "راه‌حلی همیشگی براساس ایجاد دو کشور فلسطینی و اسرائیلی در کنار یکدیگر" بود. در مقدمه طرح آمده که "همان‌گونه که در سخنرانی ۲۵ ژوئن جورج بوش، رئیس‌جمهوری آمریکا، بیان گردید، هدف دستیابی به توافقی جامع و نهایی بر سر تمام مسائل مورد اختلاف میان فلسطینی‌ها و اسرائیل تا سال ۲۰۰۵ میلادی می‌باشد."

نتیجه مذاکرات دوطرف در طی مراحل ذکرشده سرانجام دستیابی به توافقی خواهد بود که ایجاد کشوری مستقل، دموکراتیک و پایدار فلسطینی در کنار اسرائیل و دیگر کشورهای منطقه را به همراه خواهد داشت. این توافق بر مبنای اصول طرح‌شده در کنفرانس مادریده اصل زمین در برابر صلح، قطعنامه‌های ۲۴۲، ۳۳۸ و ۱۳۹۷ سازمان ملل متحد، توافقی‌نامه‌های پیشین به دست آمده میان دوطرف درگیری و طرح امیرعبدالله که در اجلاس سران عرب در بیروت پذیرفته شد و خواستار پذیرش اسرائیل به عنوان کشوری همسایه و دوست در منطقه می‌باشد، به اشغال مناطقی که از ۱۹۶۷ به بعد در دست اسرائیل قرار دارد پایان خواهد داد.^(۳۴) نقشه راه قرار بود پیش از رسیدن به یک توافق نهایی در ۲۰۰۵ میلادی، از سه مرحله عبور نماید. در هر مرحله این فلسطینی‌ها بودند که نخست بایستی دست به اقداماتی می‌زدند که تأمین‌کننده امنیت اسرائیل باشد.

در مرحله نخست با عنوان "خاتمه خشونت، برگشت زندگی فلسطینی‌ها به وضعیت عادی و بازسازی نهادهای دولت خودگردان تا ماه می ۲۰۰۳" از فلسطینی‌ها خواسته شده همزمان با عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی به مواضع ۲۸ سپتامبر، بلافاصله خشونت‌ها را متوقف کرده و با همکاری امنیتی با

اسرائیل براساس طرح تنت وارد مبارزه با گروه‌های تروریستی شوند. در این مرحله فلسطینی‌ها باید با بازسازی دستگاه امنیتی خود مقاومت فلسطینی را بلافاصله سرکوب نمایند. نظارت بر این تشکیلات بازسازی شده برعهده C.I.A. نهاده شده و آموزش نیروهای آن را سرویس‌های امنیتی اردن و مصر برعهده داشتند. دستگاه‌های امنیتی فلسطینی، همزمان با اصلاحات سیاسی در تشکیلات خودگردان، به سه دستگاه امنیتی (تحت اشراف وزیر کشور دولت خودگردان) کاهش خواهند یافت. به این ترتیب، همزمان با پیش‌رفتن طرح‌های مشترک امنیتی با اسرائیل، نیروهای ارتش اسرائیل (IDF) از مناطقی که از ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ اشغال کرده بودند عقب می‌نشینند تا وضعیت حاکم بر دوران پیش از ۲۸ سپتامبر

درحالی که نقاط پر ابهام زیادی در طرح نقشه راه به چشم می‌خورد، از همان ابتدا دولت فلسطینی موظف شده بلافاصله تمام جریان مقاومت را سرکوب و نابود نماید



عکس: مومنانی

۲۰۰۰ اعاده گردد." در این مرحله دولت اسرائیل موظف شده است تا پست‌های بازرسی و نگهبانی شهرک‌های یهودی‌نشین (Settlement Outposts) را که از مارس ۲۰۰۱ به این سو ایجاد شده‌اند از میان برداشته و مطابق با گزارش میشل، همه شهرک‌سازی‌ها و از جمله رشد طبیعی شهرک‌ها را

شارون بارها تأکید کرده است که هر کشور فلسطینی تأسیس شود، مرزهای امنیت خارجی، آسمان و منابع آبی آن باید در کنترل اسرائیل باقی مانده و دولت اسرائیل حق توکل کردن پیمان‌ها و قراردادهای آن با کشورهای خارجی را داشته باشد

تشکیل کشور فلسطینی - که مرکزیت طرح نقشه راه را تشکیل می‌داد - به عنوان یک "امکان" (Possibility) مطرح شده و در متن طرح، چیز زیادی در مورد ویژگی‌ها و مرزهای آینده آن نیامده است؛ هرچند گفته شده که یکپارچگی قلمرو کشور فلسطینی (Territorial Contiguity) اهمیت خواهد داشت. طرح، بدون اشاره صریح به تخلیه شهرک‌های یهودی نشین، در چارچوب یکپارچگی مورد اشاره، تلویحاً به اقدامات بیشتری در زمینه شهرک‌ها اشاره کرده است

متوقف نماید. استناد به گزارش میشل اهمیت خاصی داشت؛ زیرا برای دولت امریکا به معنای این بود که توقف شهرک‌سازی تنها زمانی انجام خواهد پذیرفت که فلسطینی‌ها برای خاتمه خشونت‌ها دست به اقدام بزنند. اما دیگر اعضای کمیته خواستار توقف سریع و بدون قید و شرط آن بودند. (۴۱) بنابراین برخلاف تصور، نقشه راه، اسرائیل را ملزم به تخلیه همه شهرک‌ها ساخته بلکه از توقف گسترش شهرک‌ها و از میان بردن پست‌های نگهبانی شهرک‌ها که از مارس ۲۰۰۱ به این سو ساخته شده‌اند؛ سخن به میان آورده است. بر این اساس، از میان بردن پست‌های نگهبانی هیچ تأثیر خاصی بر وضعیت شهرک‌های بزرگ اسرائیلی نخواهد داشت و حتی فراتر از این، توقف گسترش شهرک‌ها نیز کارساز نخواهد بود. (۴۰)

مرحله دوم برای نیمه دوم سال ۲۰۰۳ (از ژوئن تا دسامبر ۲۰۰۳) برنامه‌ریزی شده و بر تشکیل یک کشور فلسطینی با مرزهای موقت و ویژگی‌های خاصی از حاکمیت و استقلال تأکید داشت. نقشه راه این ویژگی‌ها را تعریف و مشخص نمی‌نماید. با این حال بجااست که در اینجا ذکر گردد که شارون بارها تأکید کرده است که هر کشور فلسطینی تأسیس شود، مرزهای امنیت خارجی، آسمان و منابع آبی آن باید در کنترل اسرائیل باقی مانده و دولت اسرائیل حق توکل کردن پیمان‌ها و قراردادهای آن با کشورهای خارجی را داشته باشد. (۴۱) البته به نظر نمی‌رسد که این سخنان را در اسرائیل، تنها تندروهایی مثل شارون بیان نمایند. موضوعاتی با چنین دلالت‌های راهبردی و حیاتی برای امنیت اسرائیل، در واقع اصول پابرجا و دائمی اسرائیل به شمار می‌روند و از آن جمله این که اصولاً، خودمختاری برای فلسطینی‌ها محدود به اداره امور شهری و دینی آنان است؛

به گونه‌ای که اجرای طرح خودمختاری مانع از اعمال حاکمیت اسرائیل در جنبه‌های امنیتی، سیاسی، احداث شهرک‌های یهودی نشین و دادن اجازه به یهودیان برای خرید اراضی اعراب، نخواهد شد. [...] و در مورد مسئله حیاتی آب نیز، حق نظارت بر منابع آب در ساحل غربی و نوارعزه متحصراً در اختیار اسرائیل است و نباید کنترل منابع آب و برنامه‌ریزی در این زمینه را به نظام خودمختار واگذار کرد. (۴۲)

تشکیل کشور فلسطینی - که مرکزیت طرح نقشه راه را تشکیل می‌داد - به معنای یک "امکان" (Possibility) مطرح شده و در متن طرح، چیز زیادی در مورد ویژگی‌ها و مرزهای آینده آن نیامده است؛ هرچند گفته شده که یکپارچگی قلمرو کشور فلسطینی (Territorial Contiguity) اهمیت خواهد داشت. طرح، بدون اشاره صریح به تخلیه شهرک‌های یهودی نشین، در چارچوب یکپارچگی مورد اشاره، تلویحاً به اقدامات بیشتری در زمینه شهرک‌ها اشاره کرده است.

مطابق مفاد، مرحله دوم اصلاحات و تغییرات سیاسی و امنیتی را فلسطینی‌ها در این مرحله ادامه خواهند داد و دولت‌های عرب روابط خود را با اسرائیل به وضعیت پیش از انتفاضه باز خواهند گرداند. مرحله سوم که قرار بود در سال ۲۰۰۴ آغاز شده و به یک توافق نهایی در ۲۰۰۵ ختم گردد، با تشکیل دومین کنفرانس بین‌المللی به منظور تأیید و حمایت از توافقی در مورد کشور فلسطینی با مرزهای موقت و همچنین آغاز مذاکرات نهایی، آغاز می‌شد و قرار بود چند موضوع کلیدی مانند مرزها، بیت‌المقدس، آوارگان و شهرک‌ها را دربرداشته باشد. این مرحله همزمان با تثبیت نهادهای دولت خودگردان و خصوصاً دستگاه امنیتی و نهادینه کردن اصلاحات صورت پذیرفته در مراحل پیشین (که بیشتر اختیارات را از عرفات

بازپس گرفته و به نخست‌وزیر واگذار کرده است)، بر آغاز مذاکرات دو طرف برای رسیدن به توافقی نهایی تا سال ۲۰۰۵ بر سر مسئله مرزها، بیت‌المقدس، آوارگان و شهرک‌ها، تصریح می‌نمود. سرانجام دوطرف با رسیدن به توافقی جامع و نهایی در ۲۰۰۵ به درگیری‌های خود پایان خواهند داد. این توافق متضمن آن است که اشغالی که از ۱۹۶۷ آغاز شده پایان داده شده و مسئله آوارگان به شکلی عادلانه، منصفانه و واقع‌بینانه (Agreed, just, fair, and realistic solution to the refugee issue) حل و فصل گردد. همچنین وضعیت بیت‌المقدس با مذاکره میان دوطرف به گونه‌ای که علاقه‌ها و ملاحظات سیاسی و مذهبی دوطرف و همچنین یهودیان، مسیحیان و مسلمانان دنیا را دربرگیرد، حل و فصل خواهد شد. (۴۳)

همانند قرارداد اسلو در اینجا نبودن سازوکاری بر خوردار از پشتیبانی بین‌المللی برای فشار به اسرائیل به منظور توقف سریع شهرک‌سازی به چشم می‌خورد. همچون گذشته، این امر به اسرائیلی‌ها اجازه می‌دهد تا به گسترش شهرک‌ها ادامه دهنده و سپس از آن به عنوان واقعیت‌هایی انکارناپذیر (Facts on the ground) نام برند. در طی ده سال گذشته این واقعیت‌ها بسیار و رو به گسترش بوده و در نتیجه عمیقاً تر راه حل دو کشور را به چالش کشیده است. (۴۴) به علاوه در مورد مرزهای موقت کشور فلسطینی وعده داده شده در این مرحله، نقشه راه یک عقب‌گرد نسبت به طرح‌های پیشین تلقی می‌شود؛ زیرا حتی از حداقل‌هایی که فلسطینی‌ها در کمپ دیوید رد کرده بودند (چه برسد به مرزهای مورد توافق در مذاکرات طابا) بسیار فاصله داشت. (۴۵) در نهایت باید گفت که نقشه راه هیچ اشاره‌ای به دیوار امنیتی که به طور کامل کانتون‌های فلسطینی را در کرانه غربی به محاصره خود درآورده و عملاً

شهرک‌هایی با بیش از ۳۰۰ هزار شهروکنشین را به اسرائیل ضمیمه می‌نماید نکرده است.

بنابراین نقشه راه نیز عمیقاً دچار مسائل ساختاری بوده و نه تنها راه‌حل جدیدی پیشنهاد نکرده است بلکه همان نقص‌هایی را داراست که توافقنامه اسلو را به‌عنوان یک راه‌حل صلح به نپودی کشاند. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، بسیاری از منتقدان، توافقنامه اسلو را نه یک طرح صلح که طرحی برای نه‌پایان‌ساختن اشغالگری اسرائیل قلمداد می‌کنند. ارتش اسرائیل یا واگذاری اختیاراتی محدود به تشکیلات تازه تأسیس خودگردان توانست نیروهایش را از مناطق پرجمعیت فلسطینی بیرون کشیده و به اصطلاح چند متر آن‌سوتر تانک‌هایش را با خیال آسوده استقرار داده و نفس اشغال را به واسطه موانع ایست و بازرسی و محاصره تداوم بخشد. مرحله‌بندی اجرای توافق‌ها، به‌گونه‌ای که در توافقنامه اسلو پیش‌بینی شده بود، به تعویق گفت‌وگوها در مورد مسائل اصلی - مرزها، شهرک‌ها، بیت‌المقدس و آوارگان - انجامید و در عین حال به اسرائیلی‌ها اجازه داد تا با تصنگ به این بحث تازه که بایستی در مورد مسائل واقع‌بین بود، وضعیت نهایی مذاکرات را آن‌گونه که مد نظرشان هسته تعریف نمایند.

همین عناصر در نقشه راه تکرار گردیده است؛ یعنی بار دیگر سخن از مرحله‌بندی مذاکرات و اجرای توافقات آن به میان آمده و حل و فصل نهایی مذاکرات به آینده‌ای موکول شده که باز معلوم نیست چه زمانی فرا خواهد رسید. از این گذشته سازوکار اجرا و جزئیات چگونگی حل و فصل مسائل نیز مبهم باقی گذاشته شده است. فلسطینی‌ها که این نوع طرح‌ها و پیامدهای آن را در طی هفت‌سال روند مذاکرات اسلو تجربه کرده‌اند، نسبت به نقشه راه بدگمان بوده‌اند. محمود عباس، نخست

وزیر وقت فلسطینی که طرح را پذیرفته بود، تنها از سه درصد محبوبیت در افکار عمومی فلسطینی‌ها برخوردار بود؛ خصوصاً که فلسطینی‌ها می‌ترسیدند که وی پیشنهادهای اسرائیل و آمریکا را - هر چه که باشد - بپذیرد. به نظر بسیاری از فلسطینی‌ها، نقشه راه همانند اسلو، صرفاً اسرائیل را قادر خواهد ساخت نقشه‌های سیاسی‌ای که برای غزه و کرانه باختری ریخته است تکمیل نماید؛ یعنی ادامه همان روندی که بلافاصله پس از سال ۱۹۶۷ آغاز شده و تاکنون نیز ادامه داشته است. (۵۶)

طرح یکجانبه شارون

طرح یکجانبه ابتکاری شارون، نخست‌وزیر اسرائیل، در ادامه سیاست این رژیم مبنی بر نامربوط دانستن یاسر عرفات به هرگونه روند مذاکره و عدم وجود شریکی مناسب در میان مقامات فلسطینی برای دستیابی به توافقی دو جانبه مطرح شد. هدف طرح، خروج ارتش اسرائیل از بخش اعظم نوار غزه و تخلیه تقریباً تمامی شهرک‌های یهودی‌نشین آن است. (۵۷)

برخی تحلیل‌گران بر این باورند که تلاش اسرائیلی‌ها برای جدایی، حتی به‌صورت یکجانبه - آن‌گونه که در طرح شارون شاهد هستیم - نشان‌دهنده نگرانی اکثریت بزرگی از یهودیان اسرائیلی از این واقعیت است که در صورت پیدائش راه‌حلی برای بحران کنونی و دستیابی به توافقی با فلسطینی‌ها، ادامه اشغال سرزمین‌های فلسطینی و تبدیل جمعیت فلسطینی به یک اکثریت در غرب اردن، به ظهور دو فاکتوی کشوری با دو ملیت خواهد انجامید. بنابر یک نظرسنجی، ۷۳ درصد از اسرائیلی‌ها این نگرانی را بیان داشته‌اند. (۵۸)

ایالات متحده از طرح یکجانبه شارون حمایت کرده و بوش در نامه‌اش به

نخست‌وزیر اسرائیل، آن را طرحی شجاعانه و تاریخی نامید. نامه بوش که فارغ از ظاهرسازی‌های همیشگی آمریکایی‌ها به‌عنوان میانجی بی‌طرف در بازی صلح بود، بیان‌کننده نیت دولت آمریکا در مورد مسائل مورد اختلاف فلسطینی‌ها و اسرائیل است. در این نامه بوش با تأکید بر تعهد ایالات متحده نسبت به امنیت اسرائیل، به‌عنوان کشوری یهودی، فلسطینی‌ها را به خاطر پیشرفت کند اصلاحات سیاسی و عدم توقف تمام شکل‌های خشونت علیه اسرائیلی‌ها سرزنش می‌کند. بوش به‌عنوان بخشی از توافق نهایی از چارچوبی "عادلانه، منصفانه و واقع‌بینانه برای حل مسئله پناهندگان فلسطینی" سخن می‌گوید که براساس آن کشوری فلسطینی تأسیس شده و پناهندگان، به عوض اسکان در اسرائیل، در آنجا اسکان داده خواهند شد. بوش تأکید می‌کند که "با توجه به واقعیت‌های موجود (realities on the ground) از جمله شهرک‌ها و مراکز پرجمعیت بزرگ اسرائیل اواقع در کرانه باختری، نیاستی توقع داشت که در مذاکرات نهایی، عقب‌نشینی کامل به خطوط متارکه جنگ ۱۹۴۹ [از جانب اسرائیل] پذیرفته شود. (۵۹)

می‌توان گفت که محتوای نامه بوش، دقیقاً همان چیزی بود که شارون ملت‌ها به‌دنبال شنیدنش از زبان رئیس‌جمهوری آمریکا بود؛ یعنی مخالفت ایالات متحده با حق بازگشت آوارگان به سرزمین‌هایی که زمانی از آنجا اخراج شدند و این‌که واقعیت‌های جدید داخلی و منطقه‌ای اوضاع را دگرگون ساخته است که این جمله اخیر بدین معناست که اسرائیل حق خواهد داشت شهرک‌های بزرگ و پرجمعیت یهودی‌نشین واقع در کرانه باختری را برای همیشه حفظ نماید.

اشغال از نوع دولوکس و چشم‌انداز تشکیل دو کشور فلسطینی و اسرائیلی از زمان مطرح شدن ایده تقسیم

بسیاری از منتقدان، توافقنامه اسلو را نه یک طرح صلح که طرحی برای نهادینه‌ساختن اشغالگری اسرائیل قلمداد می‌کنند. ارتش اسرائیل با واگذاری اختیاراتی محدود به تشکیلات تازه تأسیس خودگردان توانست نیروهایش را از مناطق پرجمعیت فلسطینی بیرون کشیده و به اصطلاح چند متر آن‌سوتر تانک‌هایش را با خیال آسوده استقرار داده و نفس اشغال را به واسطه موانع ایست و بازرسی و محاصره تداوم بخشد

نقشه راه وارث اشکالات ساختاری طرح‌های پیشین چون توافقنامه اسلوست؛ یعنی بار دیگر سخن از مرحله‌بندی مذاکرات و اجرای توافقات آن به میان آمده و حل و فصل نهایی مذاکرات به آینده‌ای موکول شده که باز معلوم نیست چه زمانی فرا خواهد رسید. از این گذشته سازوکار اجرا و جزئیات چگونگی حل و فصل مسائل نیز مبهم باقی گذاشته شده است. فلسطینی‌ها که این نوع طرح‌ها و پیامدهای آن را در طی هفت‌سال روند مذاکرات اسلو تجربه کرده‌اند، نسبت به نقشه راه بدگمان بوده‌اند

افشالگری موضوع مذاکرات قرار گرفته است؛ یعنی با پذیرش دو فاکتوی شهرک‌های احداث شده یهودی‌نشین و تصرف سرزمین‌های فلسطینی توسط ارتش اسرائیل، به‌عنوان موضوعی برای مذاکره، طرح‌های صلح عملاً از غیرقانونی بودن اشغال چشم‌پوشی کرده و الزام به پایان اشغال را تبدیل به موضوعی برای چانه‌زنی و مذاکره کرده‌اند؛ درحالی‌که اشغال امری است که یا هست یا نیست. (۶۱)

فردی که بر سر میز مذاکره تمام شروط آنها را پذیرفته و به خواست‌های امریکا و اسرائیل گردن نهد و دقیقاً تاریخ مصرف عرفات زمانی پایان یافت که اسرائیلی‌ها احساس کردند عرفات با "باز و بسته کردن شیر خشونت‌ها" (به تعبیر نتانیاها)، بزرگ‌ترین سرمایه سیاسی اسرائیل، یعنی موافقتنامه‌های صلح با مصر و اردن را تهدید می‌کند. (۶۰)

از سوی دیگر باید گفت که مدت‌هاست

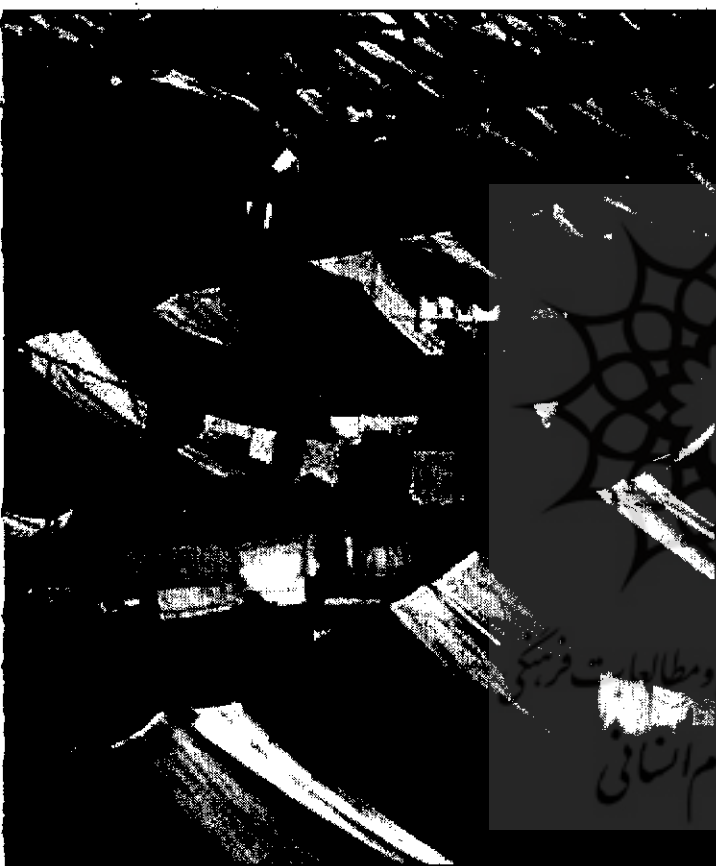
خاک فلسطین و تشکیل دو کشور فلسطینی و اسرائیلی در کنار یکدیگر به‌عنوان راه‌حلی برای صلح خاورمیانه، طرح‌های متعددی بر مبنای آن ارائه شده است. ما سعی کردیم به‌طور مشخص این طرح‌ها را از کمپ‌دیوید دوم در سال ۲۰۰۰ تاکنون ارزیابی و زمینه‌های سیاسی انتفاضه کنونی و سرخوردگی فلسطینی‌ها را با پیوند دادن این مقطع با روندهای گذشته آن مرور و بررسی نماییم.

اکنون شاید بتوان به شکلی روشن‌تر به این بحث بازگشت که آیا آن‌گونه که ایالات متحده و اسرائیل عنوان کرده‌اند ایده تقسیم سرزمین فلسطینی و تشکیل دو کشور، راهی به‌سوی صلح (که تأمین‌کننده منافع فلسطینی‌ها هم باشد) به‌شمار می‌رود؟ یا آن‌گونه که برخی تحلیل‌گران و روشنفکران فلسطینی و همین‌طور کشورهای چپ‌لیبی گفته‌اند این ایده در عمل ناممکن خواهد بود؟

به نظر می‌رسد می‌توان پاسخ این پرسش را در دستاوردها و ناکامی‌های دور نهایی مذاکرات کمپ‌دیوید جست و جو کرد. اسرائیل و امریکا پس از شکست آن مذاکرات، عمیقاً نسبت به عرفات دچار یأس و بی‌اعتمادی شدند و حتی سخن از احتمال حذف فیزیکی او به میان آوردند. اگر نگوییم دلیل اصلی بی‌گمان یکی از دلایل اصلی این رویکرد نسبت به شخص عرفات، عدم نرمش وی در آخرین دور مذاکرات در برابر خواسته‌های امریکا و زیاده طلبی‌های هیئت اسرائیلی بود. از این زمان به بعد عرفات، بی‌ربط به هرگونه مذاکره‌ای قلمداد شد و ناگهان امریکایی‌ها به یادشان افتاد که فساد در تشکیلات خودگردان ریشه دوانده و بایستی فلسطینی‌ها با انجام رفرم سیاسی، فرد تازه‌ای را به رهبری انتخاب کنند؛ فردی که به تعبیر آنها "شریک واقعی" در روند صلح باشد. به عبارت بهتر یعنی

◆ تلاش اسرائیلی‌ها برای جدایی، حتی به صورت یکجانبه - آن‌گونه که در طرح شارون شاهد هستیم - نشان‌دهنده نگرانی اکثریت بزرگی از یهودیان اسرائیلی از این واقعیت است که در صورت پیدانشدن راه‌حلی برای بحران کنونی و دستیابی به توافقی با فلسطینی‌ها، ادامه اشغال سرزمین‌های فلسطینی و تبدیل جمعیت فلسطینی به یک اکثریت در غرب اردن، به ظهور دو فاکتوی کشوری با دو ملیت خواهد انجامید. بنابراین یک نظر سنجی، ۷۳ درصد از اسرائیلی‌ها این نگرانی را بیان داشته‌اند

◆



به همین خاطر باید پرسید زمانی که امریکایی‌ها از امتیازات دردناکی سخن می‌گویند که دوطرف باید بر سر میز مذاکره بدهند تا جسد نیمه‌جان روند صلح سر پا بماند؛ منظورشان دقیقاً چیست؟ آیا منظور این است که از همان ابتدا هیئت فلسطینی که بر سر میز مذاکره نشست، بحث بازگشت آوارگان را تمام شده تلقی کرده و در ادامه نیز آماده باشد از بخش‌های

مذاکره در حلقه فلسطینی - اسرائیلی آن به امری بی‌معنا تبدیل شده است. درواقع (همان‌گونه که در طرح‌ها و مذاکرات صلح بدان اشاره شد) در بسیاری از محورهای مذاکرات فلسطینی‌ها باید از حداقل‌های خود، دوباره و دوباره گذشت نمایند؛ بدون این که امتیازات معناداری از طرف اسرائیلی دریافت نمایند. در تمام این طرح‌ها از اسلو امروز که نقشه راه مطرح است،

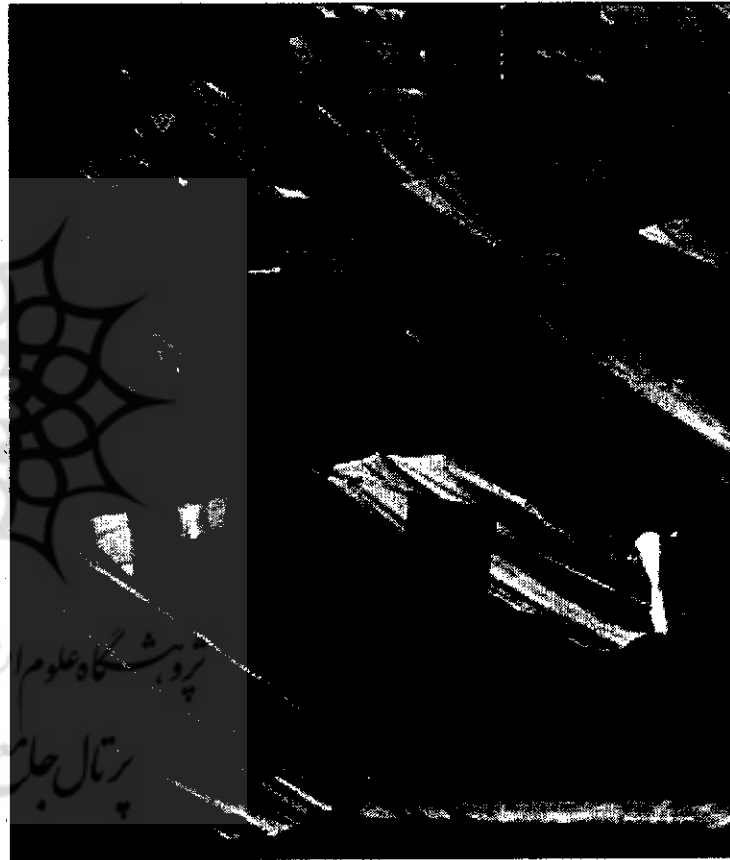
دیگری از (۲۲ درصد) خاک خود صرف نظر کند و در مقابل دلشان به این خوش باشد که اسرائیلی‌ها هم قبول نمایند تانک‌های خود را چند متر عقب کشیده و تعدادی از شهرک‌های خود را که در قلب کرانه باختری احداث شده‌اند تخلیه نمایند. زمانی که سخنان کلینتون و باراک درباره "عقب‌نشینی‌های گسترده و امتیازات دردناک اسرائیل" به هیئت فلسطینی در کمپ دیوید دوم به یادآورده می‌شود، به نظر نمی‌رسد چیزی بیش

(۴۹) کنوانسیون ژنو، دولت اسرائیل حق ندارد اسرائیلی‌ها را به مناطق اشغالی منتقل کرده و در آنجا اسکان دهد. در حال حاضر، در مناطق اشغال شده ۱۹۶۷ حدوداً در ۲۰۰ نقطه شهرک‌های یهودی‌نشین ایجاد شده‌اند که طبق برخی گزارش‌های آماری، جمعیت ساکن در آنها به ۴۰۰ هزار نفر می‌رسد. در کرانه باختری که ۲ میلیون فلسطینی در آن ساکن هستند، بیش از ۱۲۰ شهرک وجود دارد که بیشتر از

بیت المقدس شرقی ۲۲۵ هزار نفر هستند (البته باید خاطر نشان ساخت که رقم دقیق شهرک‌ها به دلی-ل مناقشه در تعریف آن و کمبود اطلاعات محل اختلاف است.) (۳۲)

روند گسترش شهرک‌ها به گونه‌ای بوده است که بنا بر اظهارات یک تحلیلگر فلسطینی به علت آن نقشه ژئوپولیتیک فلسطین در حال تغییر است و به همین منوال امکان راه‌حلی مبتنی بر آن ایده‌ای که در مرکز روند مذاکرات سیاسی کنونی تعریف شده است؛ یعنی همان گونه که بوش ترسیم کرده، تقسیم [سرزمین] میان کشور فلسطین و کشور اسرائیلی که در صلح و امنیت در کنار یکدیگر زندگی کند را از میان برده است. (۳۳) در مذاکرات - همان گونه که پیشتر مصادیق آن یادآور شد - اسرائیلی‌ها با ابداع مفهومی جدید (Realities on the ground) از "واقعیت‌هایی" که وجود داشته و باید پذیرفته شوند سخن می‌گویند؛ یعنی همین شهرک‌های عظیم یهودی‌نشین که کشور آینده فلسطینی را بیش از پیش تکه‌تکه کرده است. به این ترتیب به نظر نمی‌رسد حتی کبوترهای آسمان سیاست اسرائیل در این قول با بازها همراه نشده و به فلسطینی‌ها نگویند که "واقع بین باشید و درک کنید که جفعات زئیف نه یک شهرک که بخشی از خاک اسرائیل است که هیچ‌گاه تخلیه نخواهد شد" و هیچ‌گاه نخواهند گفت که خروج ده‌ها هزار اسرائیلی که در شهرک‌های مابین قلقیلیه و رام‌الله یا بیت ساحور و الخلیل اسکان داده شده‌اند امکان‌پذیر خواهد بود. (۳۴) چنین سختی از زمین امریکایی‌ها هم شنیده می‌شود؛ چه آن هنگام که کلینتون تلویحاً در واپسین روزهای ریاست‌جمهوری از آدغام شهرک‌ها در اسرائیل با هدف افزایش تعداد شهرک نشین‌ها در خاک اسرائیل و کاهش میزان اراضی الحاقی به خاک آن. (۳۵)

سخن می‌گوید و چه زمانی که بوش به



۲۳۰ هزار شهرک‌نشین را در خود جای داده است. در نوارغزه که یک میلیون فلسطینی را در خود جای داده، این تعداد به ۱۶ شهرک می‌رسد که ۷ هزار شهرک‌نشین در آنها اسکان داده شده‌اند. یازده شهرک نیز در بیت المقدس شرقی ایجاد شده است که تعداد شهرک‌تشینان ساکن آن و نواحی یهودی‌نشین بیت المقدس شرقی ۱۸۰ هزار تن می‌باشد فلسطینی‌های ساکن

از اینها مدنظر باشد. این وضعیت را پس از مذاکرات کمپ دیوید دوم، حنان عشراوی به خوبی توصیف می‌کند: "اسرائیلی‌ها در نهایت پذیرفتند که زمین‌های خودمان را با خودمان مبادله نمایند."

همین بحث در مورد داستان شهرک‌های یهودی‌نشین نیز صادق است. احداث شهرک‌های یهودی‌نشین نقض آشکار قوانین بین‌المللی بوده و براساس (ماده

♦ مدت‌هاست مذاکره در حلقه فلسطینی - اسرائیلی آن به امری بی‌معنا تبدیل شده است. در واقع (همان گونه که در طرح‌ها و مذاکرات صلح بدان اشاره شد) در بسیاری از محورهای مذاکرات، فلسطینی‌ها باید از حداقل‌های خود، دوباره و دوباره "گذشت نمایند؛ بدون این که امتیازات معناداری از طرف اسرائیلی دریافت نمایند. در تمام این طرح‌ها از اسلو تا امروز که نقشه راه مطرح است، اشغالگری موضوع مذاکرات قرار گرفته است؛ یعنی با پذیرش دو فاکتوی شهرک‌های احداث شده یهودی‌نشین و تصرف سرزمین‌های فلسطینی توسط ارتش اسرائیل، به عنوان موضوعی برای مذاکره، طرح‌های صلح عملاً از غیرقانونی بودن اشغال چشم‌پوشی کرده و الزام به پایان اشغال را تبدیل به موضوعی برای چانه‌زنی و مذاکره کرده‌اند؛ یا هست یا نیست

برخی جناح‌های داخلی در اسرائیل هشدار داده‌اند که در صورت تداوم سیاست شهرک‌سازی، مقاومت فلسطینی‌ها تبدیل به تلاشی برای رسیدن به حقوقی برابر در چارچوب یک کشور با دو ملیت خواهد شد

اکنون بسیاری در اسرائیل بر این باور هستند که چشم‌انداز سیاست گسترش شهرک‌های یهودی‌نشین و افزایش جمعیت فلسطینی‌ها از میان رفتن اکثریت و برتری جمعیتی یهود (a Jewish demographic majority) در مناطق تحت تصرف اسرائیل خواهد بود. این دسته معتقدند که در صورت تداوم یافتن این سیاست، کشور اسرائیل با دو گزینه دشوار روبه‌رو خواهد شد: انضمام کامل مناطق اشغالی که در کوتاه‌مدت به تهدید خصلت یهودی اسرائیل خواهد انجامید یا تداوم آن، که پیامد آن تأسیس دوفاکتوی رژیم‌آپارتایدی خواهد بود که در آن فلسطینی‌ها از حقوق اولیه خود محروم هستند

صراحت در آخرین سفر شازون به آمریکا اعلام می‌کند در توافق نهایی واقعیت‌های موجود و تغییرات رخ داده در منطقه باید مدنظر قرار گیرند. عراق نیست اگر گفته شود در این چارچوب اساساً چه نیازی به مذاکره و این همه نشست و برخاست درباره طرح‌هایی است که هنوز جوهرشان خشک نشده یکی پس از دیگری به‌سوی نهاده می‌شوند. این وضعیت و تلاوم گسترش شهرک‌ها و همچنین اخیراً ساخت دیوار امنیتی، چشم‌انداز تقسیم سرزمین فلسطین بین دو موجودیت اسرائیلی و فلسطینی را از لحاظ عینی و ذهنی زیر سوال برده است. بر این اساس برخی جناح‌های داخلی در اسرائیل هشدار داده‌اند که در صورت تداوم سیاست شهرک‌سازی، مقاومت فلسطینی‌ها تبدیل به تلاشی برای رسیدن به حقوقی برابر در چارچوب یک کشور با دو ملیت خواهد شد. پیشتر گفته شد که گسترش شهرک‌ها از یک منظر نشان‌دهنده اهداف بلند مدت رژیم اسرائیل برای تصرف و سلطه همیشگی بر این سرزمین‌ها می‌باشد. اما اکنون بسیاری در اسرائیل بر این باور هستند که چشم‌انداز این سیاست از میان رفتن اکثریت و برتری جمعیتی یهود (a Jewish demographic majority) در مناطق تحت تصرف اسرائیل خواهد بود. این دسته معتقدند که در صورت تداوم یافتن این سیاست، کشور اسرائیل با دو گزینه دشوار روبه‌رو خواهد شد:

انضمام کامل مناطق اشغالی که در کوتاه‌مدت به تهدید خصلت یهودی اسرائیل خواهد انجامید یا تداوم آن، که پیامد آن تأسیس دوفاکتوی رژیم‌آپارتایدی خواهد بود که در آن فلسطینی‌ها از حقوق اولیه خود محروم هستند.^(۶۶) کاسته شدن روز افزون شکاف جمعیتی یهودیان و عرب‌ها و تلاوم خشونت‌ها نیز این نگرانی‌ها را تشدید کرده است.

جناح‌های چپ‌گرا در اسرائیل همواره هشدار داده‌اند که در صورت این‌که ساخت شهرک‌های یهودی‌نشین ادامه یافته و اسرائیل در صدد جداسازی قلمرو خود از فلسطینی‌ها بریناید، سرانجام این کشور به نظامی شبیه نظام آپارتاید، تبدیل خواهد شد که در آن یک اقلیت یهودی بر یک اکثریت عرب حکمرانی خواهد نمود. نگرانی این جناح‌ها در این است که این امر سرانجام مهر پایانی خواهد بود بر کشوری یهودی و دموکراتیک. پیش‌بینی‌های جمعیت‌شناسان مبنی بر این‌که تا دهه آینده جمعیت عرب و یهودی برابر خواهد شد حتی بسیاری را در جناح راست همصد با نظرات جناح چپ کرده است. اهود المرت (Ehud Olmert) معاون نخست‌وزیر اسرائیل به هارتنن گفته است که "روز به روز فلسطینی‌های بیشتری از راه حل دو کشور فاصله می‌گیرند؛ زیرا می‌خواهند اساس مبارزه را از "پارادایم الجزایری" آن به "مدل آفریقای جنوبی" آن تغییر دهند یعنی از مبارزه علیه اشغال به مبارزه برای به‌دست آوردن حق برابر شهروندی؛ هر نفر یک رأی و البته این مبارزه‌ای پاکیزه‌تر، مقبول‌تر و پرحرف‌بارتر و در واقع بسیار قوی‌تر خواهد بود."^(۶۷)

از سوی دیگر در میان فلسطینی‌ها روز به روز این سوال بیشتر مطرح می‌شود که آیا تشکیل یک کشور واقعی برای آنها امکان‌پذیر خواهد بود؟ بن‌بست روند صلح اسلو در مرحله‌ای که بایستی طبق زمان‌بندی به سرانجام نهایی‌اش می‌رسید، در پس‌زمینه‌ای از نارضایتی عمیق از گسترش فقر و فلاکتی که از هنگام پذیرش توافقنامه اسلو به این سو گریبانگیر فلسطینی‌ها بوده است^(۶۸)، بار دیگر ایده دو ملیت در فلسطینی واحد (binationalism in Palestine) را زنده کرده است. بدین معنا که "سرزمین فلسطین به کشوری سکولار - لیبرال - مشروطه - تبدیل

شود که در آن شهروندان عرب و یهودی در کنار یکدیگر به‌سر ببرند. اصل معروف "یک سرزمین برای دو ملت" ناظر به همین ایده است که ادوارد سعید روشنفکر فلسطینی و عزمی بشاره (Azmi Bishara)، نماینده اخراج شده پارلمان اسرائیل، مهم‌ترین طرفدارانش بوده‌اند. ایده دو ملت در یک کشور (Binationalism) در مقابل نظریه تشکیل دو کشور در کنار یکدیگر مطرح می‌باشد که بر مبنای این نظریه اخیراً، از تشکیل یک کشور برای فلسطینی‌ها در کنار کشور اسرائیل سخن رانده می‌شود. بنابراین ایده دو ملت در یک کشور، نه شباهتی با راه‌حل دو کشور در کنار یکدیگر دارد و نه با وضعیت کنونی که در آن یک کشور رسمیت یافته و مشخص - به نام اسرائیل - در کنار مناطق به‌کلی متفاوت فلسطینی در غزه و کرانه باختری که از خودگردانی محدودی برخوردار هستند، ایجاد شده و در عین حال دیگر نواحی آن (چه فلسطینی‌ها در آن ساکن باشند چه یهودیان در قالب آنچه شهرک (Settlement) نامیده می‌شود) در زیر کنترل ارتش اسرائیل قرار دارند. با ناکامی‌هایی که روند اسلو داشته است و همچنین وضعیت پس از یازده سپتامبر، ایده کشوری با دو ملیت هر چند در حاشیه مسائل و روپندها قرار داشته، اما از جنلینت گسترده‌ای در میان فلسطینی‌ها برخوردار شده است. البته منتقدان این نظریه آن را نه یک طرح برنامه‌ریزی شده، بلکه بیشتر تبلور یک آرزو می‌دانند و از مدافعان طرح می‌پرسند که چگونه می‌خواهند بر صهیونیسم نهادینه شده از یک سو و از سوی دیگر بر مقاومت کلی‌ای که در میان فلسطینی‌ها بر سر حفظ هویتشان و همچنین بر سر ادغام در جامعه‌ای اروپایی مانند و صنعتی شده وجود دارد غلبه نمایند.^(۶۹) پروفیسور ساری نسیبه که اکنون رئیس دانشگاه القدس است از نخستین

کسانی بود که این بحث را در خلال انتفاضة نخست (۹۲-۱۹۸۷) مطرح کرد. در آن زمان او عنوان داشت اگر اسرائیلی‌ها حاضر به عقب‌نشینی از سرزمین‌های فلسطینی و بازپس‌دادن آن نباشند در این صورت فلسطینی‌ها باید خواستار الحاق به آنچه اسرائیل نامیده می‌شود و همچنین حقوق کامل و برابر شهروندی [با یهودیان اسرائیل] گردند. البته حدود سی سال پیش سازمان آزادیبخش فلسطین ایده مشابهی را طرح کرده بود که براساس آن "کشوری سکولار و دموکراتیک" در سراسر خاک فلسطین تشکیل می‌گشت. در آن زمان اسرائیل این ایده را به عنوان تاکتیک فلسطینی‌ها برای خودداری از شناسایی این رژیم و حصول به نابودی آن قلمداد و رد کرد. ولی همان طور که گفته شد در اوج انتفاضة نخست (در تابستان ۱۹۸۸)، ساف حاضر شد از این موضع عقب‌نشینی کرده و با پذیرش ایده تأسیس دو کشور برای دو ملت بر سر میز مذاکره نشیند.

در چنین شرایطی، بسیاری از فعالان فلسطینی، به خصوص روشنفکران، خواستار انحلال تشکیلات خودگردان فلسطینی شده‌اند تا بدین طریق رژیم اسرائیل را وادار به از سرگیری سیطره کامل نظامی و در نتیجه برعهده گرفتن همه هزینه‌های مترتب بر آن نمایند. این گروه بر این باور است که حفظ شرایط کنونی به اسرائیل اجازه تناوم گشغل دولوکس (Deluxe Occupation) را داده است؛ یعنی اشغالی که هرگونه مسئولیتی را از دوش دولت اسرائیل در قبال مردم فلسطین برداشته است. این ایده حتی در میان مقامات دولت خودگردان نیز طرفدارانی پیدا کرده است. چندی پیش احمد قریع، نخست وزیر تشکیلات خودگردان از ایجاد کشوری دو ملیتی سخن به میان آورد.^(۳۶) اخیراً نیز به دنبال توافقات بوش، رئیس‌جمهور آمریکا و شارون، نخست‌وزیر

اسرائیل، برسر طرح یکجانبه شارون که عملاً (از منظر تشکیلات خودگردان) به معنای پایان فاز سیاسی مذاکرات و بی‌ربط بودن طرف فلسطینی در روند سازش قلمداد می‌گردد شایعاتی در رام‌الله مرکز تشکیلات خودگردان شنیده شد که مقامات ارشد فلسطینی در حال بحث بر سر امکان منحل کردن یکجانبه تشکیلات خودگردان هستند. در این زمان یکی از روزنامه‌های فلسطینی نوشت با این وصف تشکیلات خودگردان دیگر دلیلی بر تناوم حیات و موجودیت خود نمی‌بیند. موجودیت تشکیلات خودگردان که کم‌وبیش خدمات عمومی اساسی را برای فلسطینی‌ها فراهم می‌نماید، ارتش اسرائیل را قادر ساخته بدون پذیرش مسئولیت زندگی، رفاه و سلامت فلسطینی‌ها به اشغال و سرکوب خود ادامه دهد.^(۳۷) به‌طور کلی "این روند پس از مطرح شدن طرح یکجانبه شارون و ساخت دیوار جداکننده توسط اسرائیل

که با روند کنونی سیاست‌های اسرائیل، فلسطینی‌ها باید به دنبال تشکیل کشوری با دو ملت باشند. بنابراین برای فلسطینی‌ها مسئله بسیار ساده است: حال که اسرائیل حاضر به تن‌دادن به راه‌حل دو کشور برای دو ملت نیست، تنها راه باقی مانده، یک کشور برای دو ملت خواهد بود. با توجه به واقعیت‌های جمعیتی، این نظریه در دل خود هدم و نابودی اسرائیل را در پی خواهد داشت. در نهایت باید گفت که به نظر می‌رسد سنتز وضعیت کنونی، چشم‌انداز تازه‌ای در مقابل روی مقاومت فلسطین گشوده است که صرفاً پایه‌های ذهنی نداشته؛ بلکه کاملاً ریشه در تحولات و واقعیت‌های عینی سال‌های گذشته دارد و از این لحاظ شاید تحقق آن دور از واقعیت نباشد. بی‌گمان فلسطینی‌ها به این جمع‌بندی رسیده‌اند که بیش از هر چیز، مهم‌ترین خطر برای اسرائیل عملی شدن همین ایده خواهد بود و این

◆
اهود المرت (Ehud Olmert)
 معاون نخست‌وزیر اسرائیل به هاآرتص گفته است که "روز به روز فلسطینی‌های بیشتری از راه‌حل دو کشور فاصله می‌گیرند؛ زیرا می‌خواهند اساس مبارزه را از "پارادایم الجزایری" آن به "مدل آفریقای جنوبی" آن تغییر دهند. یعنی از مبارزه علیه اشغال به مبارزه برای به دست آوردن حق برابر شهروندی؛ هر نفر یک رأی و البته این مبارزه‌ای پاکیزه‌تر، مقبول‌تر و پرطرفدارتر و در واقع بسیار قوی‌تر خواهد بود"



تشدید شده است.^(۳۸) تشکیلات خودگردان نیز ساخت دیوار دفاعی و طرح شارون را تهدیدی بر سر تشکیل کشور فلسطینی می‌دانند. در این راستاست که حتی احمد قریع، نخست وزیر تشکیلات خودگردان نیز می‌گوید

دقیقاً بزرگ‌ترین چالشی خواهد بود که اسرائیل با آن رویاروی خواهد شد. سخنان آریل شارون در مصاحبه اخیرش با هاآرتص زمانی که از وی در مورد سیاستش در قبال فلسطینی‌ها سوال می‌شود، پایان‌بندی مناسبی

Settlement Freeze Means And Why It Matters. ICG Middle East Report No 16,25 July 2003, Page 34.

67. **Is the two - state solution in danger?** Haaretz Daily, Israel, April 17,2004.

۶۸ - پیرامون تحولات اقتصادی و اجتماعی پس از صلح اسلو در اسرائیل و فلسطین نگاه کنید به: هاتیه ادام. انتفاضه دوم، اقتصاد و آرایش طبقاتی در اسرائیل و فلسطین، محمد عطایی، ماهنامه آفتاب شماره ۱۶، مهر ۱۳۸۲، صص ۴۰ - ۳۲.

69. Abu - Odeh, Lama **Why one state - Liberal and constitutionalist - may be the key to peace in the Middle East The Case for Binationalism.** [http:// bostonreview . net](http://bostonreview.net).

70. Rubinstein, Danny. **Making threats, cultivating an image.** Haaretz Daily, Israel, April 17,2004.

71. Rubinstein, Danny. **A PA that maybe pass.** Haaretz Daily, Israel, April 16,2004.

72. Rubinstein, Danny **Back to the future in the PA.** Haaretz Daily, Israel, April 17,2004.

73. PM: **My plan will force Palestinians to give up dreams for years.** By Aluf Benn. Haaretz Daily, Israel, April 05,2004.

*دفترشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی
(mo_stale@yahoo.Com)

53. **Elements of a performance - based roadmap to a permanent two - state solution to the Israeli -Palestinian conflict Draft,** Harretz Daily, Israel, December 2002.

54. Hanieh, Adam & Cook, Catherine. Op. cit.

55. Klug, Tony. **The West Bank and Gaza Strip: an international protectorate?** Open Democracy, 7.5,2003, [www .OpenDemocracy .net](http://www.OpenDemocracy.net).

56. Hanieh, Adam & Cook, Catherine. Op. cit.

57. **The disengagement plan of Prime Minister Ariel Sharon: Key principles** Haaretz Daily, Israel, 16/04/2004.

58. Yaar, Prof Ephraim & Hermann, Tamar.

Demographic fears favor unilateral separation. Haaretz Daily, Israel, Feb. 13,2003.

59. **Ariel Sharon and George W. Bush's Letters in full, Text of George W. Bush's Letter to Ariel Sharon.** Haaretz Daily, Israel, April 17,2004.

۶۰ - روزنامه اطلاعات ۱۳۸۰/۶/۷

61. Hanieh, Adam & Cook, Catherine. Op. cit.

62. **The Israeli - Palestinian Roadmap: What A Settlement Freeze Means And Why It Matters.** ICG Middle East Report No16,25 July 2003, Page 34.

63. Khalid, Ahmad **The End of Two State solution** The Guardian, 16 July 2003.

64. Hass, Amira, op. cit.

65. Abunimah, Ali. **Why all the fuss about the Bush- Sharon meeting?** The Electronic Intifada, 14 April 2004, www .Electronicintifad .net.

66. **The Israeli - Palestinian Roadmap: What A**

برای بحث ماست:

"هدف من از میان برداشتن تشکیلات خودگردان نیست. چنین اقدامی به معنای آن است که بار دیگر مسئولیت اداره و کنترل کامل بیش از سه‌ونیم میلیون فلسطینی را برعهده بگیریم؛ و این یعنی برعهده گرفتن اداره و رسیدگی به آموزش، بهداشت و آب و فاضلاب آنها." (۳۳)

پانویس‌ها و منابع:

45 . **A Middle East RoadMap To Where ?** ICG Middle East Report No.14.2 May 2003.

46 . **Middle East Endgame I: Getting to A Comprehensive Arab-Israeili PeaceSettlement.** ICG Middle East Report No. 2.16 July 2002, Appendix A .

47 . **A Middle East RoadMap To Where?** ICG Middle East Report No. 14.2 May 2003.

48. **Elements of a performance - based roadmap to a permanent two - state solution to the Israeli - Palestinian conflict Draft,** Harretz Daily, Israel, December 2002.

49. **A Middle East RoadMap To Where?** ICG Middle East Report No. 14.2 May 2003.

50. Hanieh, Adam & Cook, Catherine. **Sharon's roadmap for Palestine: Not a Chance.** Global Beat Syndicate, June 23,2003, New York University.

51. Hanieh, Adam & Cook, Catherine. **A Roadmap to the Oslo Cul - de - Sac.** Global Beat Syndicate, May 15th, 2003. MERIP Website, www .Merip .org.

۵۲ - معروفه عبد دولت فلسطین و شهرک‌های یهودی‌نشین، ترجمه فرزاد مملوخی، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۵۸.

◆ احمد قریب، نخست‌وزیر تشکیلات خودگردان می‌گوید که با روند کنونی سیاست‌های اسرائیل، فلسطینی‌ها باید به دنبال تشکیل کشوری با دو ملیت باشند. بنابراین برای فلسطینی‌ها مسئله بسیار ساده است: حال که اسرائیل حاضر به تن دادن به راه‌حل دو کشور برای دو ملت نیست، تنها راه باقی مانده، یک کشور برای دو ملت خواهد بود. با توجه به واقعیت‌های جمعیتی، این نظریه در دل خود هدم و نابودی اسرائیل را در پی خواهد داشت. در نهایت باید گفت که به نظر می‌رسد سنتز وضعیت کنونی، چشم‌انداز تازه‌ای در مقابل روی مقاومت فلسطین گشوده است که صرفاً پایه‌های ذهنی نداشته؛ بلکه کاملاً ریشه در تحولات و واقعیت‌های عینی سال‌های گذشته دارد و از این لحاظ شاید تحقق آن دور از واقعیت نباشد